



ماهیت و مکانیزم عملیات نرم در نهج البلاغه و راهبرد تقابلی - صیانتی امام علی(ع) در مواجهه با آن

علی حاجی‌خانی^۱، روح‌الله شهریاری^{۲*}، سعید جلیلیان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۵

(از ص ۸۱ تا ۱۰۰)

چکیده

جنگ نرم یکی از پیچیده‌ترین و کارآمدترین روش‌های تهاجمی علیه ارزش‌های هر نظامی است. به همین جهت در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به واکاوی سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه پرداخته شده است؛ تا مکانیزم عملیات نرم براساس حوادث تاریخی دوران آن حضرت کشف شود و راهبردی تقابلی بر مبنای عملکرد ایشان ارائه گردد. براساس مضامین سخنان امام(ع) در نهج البلاغه هر جنگ نرمی چهار رکن اساسی دارد؛ رکن اول طراحان جنگ نرم، رکن دوم ابزار و محتوا، رکن سوم کارگزاران و مجریان(نیروی اجتماعی)، رکن چهارم زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری. در نهایت طراحان عملیات نرم با به‌کارگیری روش‌هایی نظیر تحریف حقایق، ایجاد اختلاف و تفرقه، استفاده از مقدسات، بهتان و جعل سند و غیره به اجرای عملیات نرم می‌پردازند. به‌منظور مقابله با روش‌های فوق‌الذکر، امام علی(ع) با بهره‌گیری از ابزار و روش‌های حق، اقناع و توجیه سیاسی، عزل کارگزاران ناصالح، مواجهه قهرآمیز، حلم و مدارا، بینش‌دهی و گزینش سیاسی، راهبرد تقابلی - صیانتی مبتنی بر بسترسازی جهت قرب الهی را اتخاذ کردند.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، عملیات نرم، نهج البلاغه، راهبرد تقابلی - صیانتی، دشمنان.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد تربیت اخلاقی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

اسلام در مسائل فردی و عبادی خلاصه نمی‌شود، بلکه دارای مجموعه‌ای از معارف فردی، اجتماعی و سیاسی است. اسلام از آن جهت که احکام سیاسی، اجتماعی، حدود، مقررات و قوانین جامع دارد؛ نشان می‌دهد یک تشکیلات همه جانبه و یک حکومت است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۷۶). در نگرش اسلامی سیاست و حکومت به حوزه فردی و تشخیص عقلا واگذار نشده است، بلکه مدل حکومت و مبانی و اصول آن نیز توسط شارع تعیین شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ الف: ۲۲). احکام مختلف جزایی، حقوقی، مدنی، قوانین تجارت، معاملات و غیره بیانگر این مسئله است. در این میان یکی از رسالت‌های حکومت اسلامی حاکم کردن ارزش‌های الهی است. وقتی ارزش‌های اسلامی مورد تهاجم معاندان قرار می‌گیرد حاکمان جامعه اسلامی، نیز مردم، وظیفه مواجهه با این تهاجمات را دارند و باید به مقابله با جنگ دشمن بپردازند.

۱-۱. بیان مسئله

امروزه یکی از مهم‌ترین ابزارهای ضربه زدن و از بین بردن ارزش‌های دینی در جوامع اسلامی بهره‌گیری از جنگ نرم است. این استراتژی همواره در طول تاریخ تا به امروز به‌منظور تأثیرگذاری بر اذهان کارگزاران حکومتی و بخصوص عامه مردم مورد استفاده قرار گرفته است و تفاوت آن در طول ادوار مختلف در روش‌ها و ابزارهای آن است. یکی از ادوار پر استفاده از جنگ نرم، زمان حکومت امام علی(ع) است؛ زیرا محل تقابل گروه‌های مختلف با رویکردهای متفاوت بود. جایی که اصحاب جمل برای مشروع جلوه دادن حرکت خود جهت همراه کردن اذهان عمومی دست به جنگ روانی زدند؛ اصحاب صفین با دو سردمدار خود یعنی معاویه و عمرو عاص از پیشتازان جنگ نرم در طول تاریخ هستند و اصحاب نهروان که به واسطه همین جنگ نرم بازیچه دست اصحاب صفین قرار گرفتند. صحنه تقابل امام علی(ع) با عملیات روانی این گروه‌ها را می‌توان در نهج‌البلاغه مشاهده کرد. نقش پررنگ جنگ نرم در دوره حکومت امام(ع) در کنار منش الهی ایشان می‌تواند راهکار مناسبی در جهت مقابله با جنگ نرم در اختیار ما قرار دهد؛ لذا این جستار در صدد است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ماهیت و ابعاد عملیات نرم در نهج‌البلاغه را مورد بررسی قرار داده تا در این رهگذر، راهبرد تقابلی - صیانتی امام علی(ع) را در مقابله با جنگ نرم تبیین و تحلیل نماید. سوالات پژوهش حاضر به قرار زیر است:

۱. براساس آموزه‌های علوی در نهج‌البلاغه، تهاجم نرم دارای چه مکانیزم و ارکانی است؟

۲. آیا می‌توان از هر ابزاری برای تقابل با جنگ نرم استفاده کرد؟ چرا؟

۳. در راهبرد تقابلی - صیانتی امام(ع)، نقش حاکمان و کارگزاران و مردم در مواجهه با جنگ نرم چیست؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در مورد موضوع مورد بحث انجام شده است که به برخی از آن‌ها که قرابت نزدیک با پژوهش حاضر دارند اشاره می‌شود:

۱. یزدانی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان *استراتژی‌های جنگ روانی از دیدگاه حضرت علی(ع)* به استخراج استراتژی‌ها و روش‌های جنگ روانی امام در مقابل دشمن پرداخته است و مواردی مانند تشجیع، روشنگری، ارباب و ترس، انگیزش تفکر، شعار و رجزخوانی، سکوت و تحریک را مطرح کرده است.
 ۲. شاه‌علی (۱۳۹۰) در مقاله *محرك‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم از دیدگاه امام علی(ع)*؛ ضمن اینکه فتنه را نتیجه جنگ نرم دشمنان دانسته به دسته‌بندی و بررسی تأثیر محرک‌های اجتماعی پیشبرد فتنه (مردمان، حاکمان، خواص بی‌بصیرت) در جنگ نرم با توجه به کلام امیرالمؤمنان پرداخته است.
 ۳. مجیدی، قزلسفلو (۱۳۹۲) در مقاله *استراتژی پایداری در برابر جنگ نرم با تکیه بر نهج‌البلاغه با عنایت به رویکرد ادبیات پایداری، روش‌های پایداری امام(ع)* مانند روشنگری، دعوت به اتحاد، افشای شخصیت‌ها و غیره. استراتژی پایداری و مقاومت بودن را راهکاری ارزشمند در برابر جنگ نرم معرفی کرده است.
 ۴. محمدی سیرت و موسوی‌نیا (۱۳۹۵) در مقاله *رهیافتی اسلامی در مفهوم‌سازی بنیادی عملیات روانی مطالعه سیره نظامی امام علی(ع)*؛ با هدف به دست آوردن اساس و پایه‌های عملیات روانی امام علی(ع) در نبردهای نظامی به بررسی عملیات روانی امیرمؤمنان مانند تاکتیکی، استراتژی، تحکمی و عملیات روانی در بحران در سه بازه زمانی پیش، در هنگام و پس از جنگ‌های دوره ایشان پرداخته‌اند و در نهایت سه اصل هدایت‌گری، تقوا، معنویت‌گرایی را پایه عملیات روانی امام علی(ع) برشمرده‌اند.
 ۵. فرخی و شهبازی (۱۳۹۶) در مقاله *تکنیک‌های عملیات روانی امام علی(ع) در رویارویی با دشمنان* ضمن معرفی روش‌های رسوم عملیات روانی معتقد است امام علی(ع) از پنج تکنیک تشجیع، نکوهش، خشیت، مقایسه، القا بهره گرفته است که برای هر کدام از نهج‌البلاغه نمونه‌های ذکر کرده است آن‌ها بر این باورند در جنگ روانی مخاطب فقط دشمن نیست، بلکه شامل خودی‌ها هم می‌شود.
- هر کدام از پژوهش‌های فوق با توجه به خاستگاه و رویکردی که داشته‌اند در عین تلاش ارزشمند خود، تنها ابعاد تقابلی جنگ نرم از دیدگاه امام علی(ع) را مورد ارزیابی قرار داده‌اند؛ لیکن در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن بررسی جامع مکانیزم و ماهیت جنگ نرم در نهج‌البلاغه، مبنا و اساس تقابل امام در جنگ نرم را به دست آورده و براساس آن روشی تلفیقی با عنوان راهبرد تقابلی - صیانتی امام علی(ع) ارائه گردد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

جنگ نرم از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی در دوره معاصر است؛ زیرا با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها می‌توان به اهداف سیاسی، اقتصادی و ... دست یافت؛ به همین دلیل در دوره معاصر مورد توجه استکبار جهانی قرار گرفته است تا آنجا که جامعه امروز ما نیز از تهاجم نرم مستثنا نبوده است. از سوی دیگر تهاجم نرم بسیار پیچیده و به اشکال مختلف صورت می‌گیرد و نیازمند اتخاذ تدابیری هوشمندانه است؛ بدین جهت بحث و پژوهش در مورد جنگ نرم همواره محل بحث و دغدغه پژوهشگران بوده است. به همین منظور مراجعه به سیره عملی و تجارب ارزشمند امام علی(ع) در تقابل با جنگ نرم به عنوان منبع متقن دینی، می‌تواند در کنترل و مبارزه با جنگ نرم موثر واقع گردد؛ لذا پژوهش

حاضر به بررسی ماهیت و مکانیزم عملیات نرم از منظر امام علی(ع) پرداخته است تا به درآمدی راهبردی جهت صیانت از ارزش‌های دینی جامعه اسلامی در مقابل جنگ نرم دست یابد.

۲. بحث

آنچه در پی خواهد آمد موضوع اصلی پژوهش است که در آن، به مفاهیم نظری پژوهش، ماهیت و مکانیزم اثرگذاری جنگ نرم، شیوه‌های طراحی و اجرای عملیات نرم، عوامل بسترساز عملیات نرم و راهبرد تقابلی- صیانتی امام علی(ع) پرداخته خواهد شد.

۲-۱. مفاهیم نظری پژوهش

۲-۱-۱. راهبرد

در زبان فارسی واژه استراتژی^۱ را به راهبرد ترجمه کرده‌اند. استراتژی یا راهبرد، طرحی منسجم، جامع‌نگر و یکپارچه کننده برای حرکت در کوتاه‌ترین راه به سوی هدف یا بهترین بهره‌برداری از منابع و امکانات موجود است. استراتژی راه و روش رسیدن به اهداف بلند مدت و حیاتی است. موضوع راهبردی جنبه حیاتی دارد و در محیط رقابتی اهمیت خود را نشان می‌دهد (واسطی، ۱۳۸۸: ۴۳).

۲-۱-۲. جنگ نرم

تعریف مورد وفاقی در مورد جنگ نرم وجود ندارد، گاه جنگ نرم را مشابه جنگ روانی تعریف کرده‌اند و به یک معنا گرفته شده است. برخی از مترادف‌هایی که برای جنگ روانی ذکر کرده‌اند عبارتند از: جنگ افکار، جنگ اعصاب، جنگ سیاسی، جنگ تبلیغاتی، جنگ کلامی، مبارزه اطلاعاتی، جنگ کلمه و عقیده (نصر، ۱۳۸۱: ۸۹). برخی جنگ نرم را در برابر جنگ سخت می‌دانند و آن را این گونه تعریف می‌کنند: «هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه، گروه یا گروه‌های هدف را نشانه می‌گیرد و بدون جنگ و درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. جنگ رایانه‌ای، اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی، از مصادیق جنگ نرم هستند» (نای، ۱۳۸۷: ۳۷). گروهی جنگ نرم را نوعی نفوذ در مختصات فکری دشمن تعریف کرده‌اند که سبب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷).

با توجه به دو تعریف فوق به نظر می‌رسد در تعریف جنگ نرم دو نوع دیدگاه حاکم است؛ نخست دیدگاه منفی که مدنظر اکثریت است به این صورت که جنگ نرم ابزاری برای پیشبرد مقاصد پلید است و مجری آن برای مهیا کردن و تسهیل در اقدامات سلطه جویانه خود که می‌تواند زیربنایی برای درگیری نظامی، استعمار، جنگ داخلی، تغییر حکومت و غیره باشد، جنگ روانی را به کار می‌گیرد. معمولاً این نوع جنگ از ناحیه داعیان استکبار انجام می‌گیرد. دیدگاه دیگر که نسبت به دیدگاه نخست متعادل‌تر است بیان می‌کند که جنگ روانی همیشه منفی نیست، بلکه بستگی دارد که در خدمت چه مقاصدی قرار بگیرد؛ اگر در خدمت مقاصد پلید قرار گیرد مذموم و ناپسند است و اگر در خدمت مقاصد والا و توحیدی

1. strategy

باشد امری نیکو و لازم است؛ لذا پژوهش حاضر براساس دیدگاه دوم جنگ نرم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲-۲. ماهیت و مکانیزم اثرگذاری جنگ نرم

براساس مضامین سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه می‌توان به این مهم پی برد که از منظر امام(ع) جنگ نرم دارای چهار رکن اساسی است؛ رکن اول طراحان جنگ نرم، رکن دوم ابزار و محتوا، رکن سوم کارگزاران و مجریان(نیروی اجتماعی)، رکن چهارم زمینه‌ها و بسترها. فعلیت و اثرگذاری هر جنگ نرم وابسته به این چهار عنصر است که با هدف نهایی تضعیف و تخریب و تغییر ارزش‌های دینی انجام می‌شود. آنچه در پی می‌آید معرفی این چهار رکن در مطاوی بیانات امام(ع) در نهج البلاغه است

۲-۲-۱. طراحان

طراحان، نقشه تهاجم را در شکل‌های مختلف با بهره‌گیری از محتوا و ابزار متناسب تدوین می‌کنند و توسط کارگزاران به اجرا در می‌آورند. در زمان حکومت حضرت علی(ع)، معاویه و عمرعاص طراحان اصلی جنگ نرم بودند. امام علی(ع) در چند جای نهج البلاغه به این مسئله اشاره می‌کنند. در نامه‌ای به معاویه او را عامل و طراح فتنه‌ها و انحرافات مردم دانسته می‌فرمایند:

«ای معاویه گروه بسیاری از مردم را به هلاکت انداختی و با گمراهی خود آن‌ها را فریب دادی و در امواج دریای (فتنه و فساد) خود انداختی به گونه ای که تاریکی‌ها آن‌ها را فرا گرفت و امواج شبهات آنان را به تلاطم انداخت و این سبب شد که آن‌ها از حق برگردند» (نامه/۳۲).

نقش عمرعاص در طراحی نقشه‌هایی مانند بر سرنیزه کردن قرآن‌ها در جنگ صفین که موجب پدیدآمدن خوارج و جنگ نهروان شد نمود دارد. در بسیاری از فرازهای نهج البلاغه به معاویه و عمرعاص به‌عنوان طراحان جنگ نرم و نقشه‌ها و اهداف آن‌ها اشاره شده است. از جمله در خطبه‌های ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۱۶۱، ۱۷۹، ۱۹۱ و نامه‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۴۴، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۵، ۴۸، ۵۵، ۶۴، ۶۵، ۷۳، ۷۵.

۲-۲-۲. ابزار و محتوا

جنگ نرم از آن جهت که مصداق فعل باطل است هیچ گاه نمی‌تواند در جبهه حق اثرگذار باشد. بدین جهت باطل به طفیل حق پیدا می‌شود و نیز با نیروی حق حرکت می‌کند (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۵/۲۳۳). یعنی تغییر شکل می‌دهد و لباس حق می‌پوشد تا موجب اشتباه و فریب شود. به همین جهت طراحان جنگ نرم نیازمند بهره‌گیری از محتوا و ابزاری هستند تا باطل را بر حق سوار کنند و موجب گمراهی شوند. امام علی(ع) این نکته را به زیبایی تبیین کرده می‌فرمایند:

«اگر باطل از آمیزش با حق خالص می‌شد راه بر حق جویان پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی‌گشت زبان دشمنان یاوه‌گو از آن قطع می‌گشت. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و درهم آمیخته می‌شود» (خطبه/۵۰).

امام(ع) درباره معاویه به این حقیقت اشاره فرموده است؛ «معاویه جماعتی از گمراهان را به میدان جنگ کشید و حقیقت حال از آنان پوشیده داشت تا گلوهای خود هدف تیر بلا ساختند» (خطبه/۵۱). امام علی(ع) در خطبه‌های ۴، ۱۲۸، ۱۷۲ و ۲۱۸ به نمونه‌هایی از این ابزارها اشاره فرموده است.

۲-۲-۳. مجریان و کارگزاران (نیروی اجتماعی)

طراحان جنگ نرم، برای اجرای نقشه طراحی شده، نیازمند بهره‌گیری از نیروی اجتماعی هستند. این افراد عمله و آلت دست طراحان هستند که به واسطه آن‌ها جنگ روانی پیاده‌سازی و اجرا می‌شود. مرتضی مطهری عامل موفقیت معاویه در جنگ علیه امام علی(ع) را بهره‌گیری از همین نیروی اجتماعی می‌داند (ن.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۵/۱۰۲۳). امام علی(ع) در حکمت ۱ نهج‌البلاغه مواظبت بر آلت دست دشمنان شدن را در شورش‌ها و بدعت‌های اهل باطل را تذکر می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۲/۲۴). از منظر امام علی(ع) کارگزاران جنگ نرم، ساده‌اندیشان (ن.ک: حکمت/ ۱۴۷)؛ دنیاپرستان‌اند (ن.ک: خطبه/ ۱۵۶)؛ هواپرستان (ن.ک: خطبه/ ۵۰)؛ عالمان بی‌تقوا و فاسد (ن.ک: خطبه/ ۱۹۲)؛ خواص جاه طلب (خطبه/ ۴ و ۱۷۲). و نیز کسانی هستند که دین را آلت کسب متاع دنیا قرار می‌دهند (حکمت/ ۱۴۷). همه اوصاف ذکر شده از سوی امام علی(ع) ناشی دنیاپرستی و انحراف از خط توحید است.

۲-۲-۴. بسترها و عوامل زمینه‌ساز

هر تهاجم نرمی برای وقوع نیازمند ایجاد زمینه و بسترهای مناسب است. این بسترها تسهیل‌گر و زمینه‌ساز اثرگذاری تهاجم نرم هستند. به گونه‌ای که در صورت وجود مقتضی (طراح- مجری- نیروی اجتماعی) علیت تأثیرگذاری را کامل خواهند کرد و حتمیت خواهند بخشید. امام(ع) در حکمت ۱۴۷، همچنین حکمت ۳۶۹ و خطبه‌های ۳، ۱۵۶ و ۱۹۲ به این عوامل اشاره فرموده‌اند.

این چهار رکن به نوعی تأثیر بر یکدیگر دارند. زمینه‌ها محرک طراحان در استفاده از ابزارهای مناسب و شناسایی‌کننده ضعف‌های کارگزاران هستند. به علاوه کارگزاران و نقاط ضعف آن‌ها در طراحی محتوا به طراحان جنگ نرم کمک می‌کنند. شکل زیر گویای رابطه این چهار رکن است:



نمودار ۱: ارکان عملیات جنگ نرم و رابطه آن‌ها با یکدیگر در کلام امام علی(ع)

۲-۳. شیوه‌های طراحی و اجرای عملیات نرم توسط دشمنان امام‌علی(ع)

دشمنان امام‌علی(ع) در زمان حکومت آن حضرت با استفاده از شیوه‌های مختلفی به ایجاد جنگ نرم پرداخته و در نتیجه ارزش‌های دینی جامعه را مورد تهاجم قرار می‌دادند، از جمله این روش‌ها و ابزارها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۲-۳-۱. نمادسازی

واژه نماد در لغت به معنای نشانه، دال، نمودگار، نمون، رمز است (آریان‌پور، ۱۳۸۵: ۸۶۲) نماد، نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن نه شباهت عینی است و نه رابطه همجواری بلکه رابطه‌ای است قراردادی نه ذاتی و خود به خودی (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۲۰۲). در واقع نمادها برای توضیح تصاویر ذهنی ساخته می‌شوند (استوار، ۱۳۹۱: ۲۵).

یکی از روش‌های دشمنان امام‌علی(ع) برای فریب عوام، ایجاد نماد بود. یکی از این نمادها بهره‌گیری از پیراهن خونین عثمان است که با استفاده از آن احساسات مردم را تحریک کردند و باعث شکل‌گیری و جبهه‌بندی علیه حضرت امام‌علی(ع) شدند. ذهبی می‌نویسد:

«معاویه پیراهن عثمان و بعضی از انگشتان قطع شده او را بر فراز منبر آویزان کرد، و عده‌ای از شامیان سوگند یاد کردند که به بستر استراحت و خواب نروند و با همسران خود مقاربت نکنند، تا اینکه قاتلان عثمان را به قتل برسانند یا اینکه کشته شوند، و یکسال برای او گریستند» (ذهبی، ۲۰۰۳ م: ۴۵۱/۳-۴۵۲).

معاویه و اصحاب او پیراهن عثمان را نماد تظلم‌خواهی قرار دادند؛ تا با مطرح ساختن نماد پیراهن عثمان این تصویر را در ذهن مردم حک کنند که عثمان مظلوم و به ناحق کشته شد و طرف ظالم و ناحق در این ماجرا امام‌علی(ع) بود؛ بدین وسیله با استفاده از این نماد راه را برای اقدامات خود علیه امام‌علی(ع) فراهم ساخت.

یکی دیگر از نمادها که در زمان امیرالمؤمنین بکارگرفته شد؛ شتر عایشه است. امام(ع) در کلامش به آن اشاره دارد؛ «شما سپاهیان آن زن بودید و پیروان آن ستور. که چون بانگ کرد اجابتش کردید و چون کشته شد روی به گریز نهادید» (خطبه/۱۳). به گفته بعضی از مورخان، شتر عایشه در جنگ جمل به منزله پرچم لشکر بود و همه، اطراف آن را گرفته بودند و در پای آن شمشیر می‌زدند و مردان جنگی لشکر «طلحه و زبیر» در زیر این پرچم تا آخرین نفس جنگ می‌کردند و کشته می‌شدند. در بعضی از روایات آمده؛ در آن روز هفتاد نفر از قریش افسار شتر عایشه را به دست گرفتند و یکی پس از دیگری کشته شدند. گروهی که بیش از همه در جنگ جمل از شتر دفاع می‌کردند جنگجویان قبیله «بنی ضبّه» و «ازد» بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۵۰۶/۱-۵۰۵). نمادسازی متناسب با ذائقه مردم زمانه صورت می‌گیرد؛ زیرا نماد واسطه بین اصل و ذهن مردم است.

۲-۳-۲. استفاده از خواص

دشمنان امام(ع) از طریق خواص زمان ایشان به اجرای جنگ روانی پرداختند که برجسته‌ترین آن در جنگ جمل اتفاق افتاد؛ جایی که به واسطه عایشه همسر پیامبر(ص) جنگ جمل را به راه انداختند. امام علی(ع) درباره این روش تهاجم چنین می‌فرماید:

«پس اینان شورش کردند، در حالی که همسر رسول خدا را همچون کنیزی که برای فروش می‌برند، به دنبال خود کشاندند در حالی که همسران خود را در خانه پشت پرده نگه داشتند (تا از نظر بیگانگان دور باشند) و پرده‌نشین حرم پیامبر را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند» (خطبه/۱۷۲).

در یکی از این موارد، شخصی برای تحریک مردم می‌گوید: ای افراد قبیله «زد» از مادر خود دفاع کنید زیرا دفاع از وی همانند نماز و روزه بر شما فرض و واجب است و حفظ احترام این بزرگ مادر بر فرد فرد شما لازم است (عسکری، ۱۳۷۷: ۲/۲۵۴). در نتیجه معاندان برای تحریک و تهییج احساسات افراد و مشتبه کردن فضا و در نتیجه ایجاد شورش علیه حضرت علی(ع) و تضعیف عقاید مسلمانان از شخصیت عایشه کمال استفاده را بردند.

۲-۳-۳. تزویر و تحریف حقایق

برای افرادی که به حقایق واقف نیستند، بزرگ‌ترین خطر، حق جلوه دادن باطل است. معاویه برای پیشبرد اهداف خود از این عنصر کمال استفاده را برد و تا جای ممکن به تزویر، دروغ‌پردازی و قلب حقایق پرداخت. به مردم مدینه نامه نوشت که ما به خون‌خواهی عثمان آمده‌ایم؛ اگر پیروز شویم شورایی که عمر درست کرده سامان خواهیم داد. ما طالب خلافت نیستیم (منقری، نصرین مزاحم، ۱۴۰۳: ۶۳)

یکی از عمده‌ترین ابزارهای معاویه در جنگ نرم بهره‌گیری از تزویر و تحریف حقایق بود؛ آنچنان که وقتی عمار در لشکر امیرالمؤمنین به دست اصحاب معاویه به شهادت رسید. در سپاه معاویه تزلزل ایجاد شده؛ چراکه پیغمبر اکرم(ص) در گذشته فرموده بودند: ای عمار تورا گروه طغیانگر و سرکش و ظالم می‌کشد (ابن کثیر، ۱۴۰۹: ۶/۲۱۴). در نتیجه برای همگان روشن می‌شد که طرف باطل معاویه است و طرف حق حضرت علی(ع)، اما معاویه که همیشه با حيله و نیرنگ کار خودش را پیش می‌برد، دست به تحریف می‌زند و در اعتراض سپاهیان می‌گوید درست است، پیغمبر فرمود که عمار را آن گروه سرکش، طایفه سرکش، لشکر سرکش می‌کشد، ولی عمار را که ما نکشتیم عمار را علی کشت که او را به اینجا آورد و موجبات کشتنش را فراهم کرد. هرکس که می‌آمد اعتراض می‌کرد، معاویه و عمرو عاص با چنین توجیهی ذهن او را راضی می‌کردند و او را به لشکر برمی‌گرداندند (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۷/۱۰۴). دروغ، ریا و تحریف حقایق از ابزارهای اساسی مورداستفاده در جنگ نرم است، آن‌ها به این وسیله بر افکار عامه جامعه تأثیر می‌گذارند و با حق جلوه دادن خود آن‌ها را با خود همراه می‌سازند.

۲-۳-۴. ایجاد اختلاف و تفرقه

ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه یکی دیگر از شیوه‌های جنگ نرم از سوی دشمنان است؛ حضرت علی(ع) در نهج البلاغه به استفاده از این شیوه توسط اصحاب جمل اشاره دارند و می‌فرمایند:

«بر مأموران من و خزانه‌داران بیت المال مسلمین که در اختیار من است وارد شدند و در شهری (بصره) که همه مردمش در اطاعت و بیعت من هستند قدم گذاردند، وحدت آن‌ها را برهم زدند و جمعیت آن‌ها را که همه با من بودند به شورش واداشتند» (خطبه/۲۱۸).

اصحاب جمل با جنگ روانی و بر هم زدن نظم جامعه بذر تفرقه را در آن شهر کاشتند و بدین صورت راه را برای اقدام بعدی خود یعنی شورش مردم بصره هموار ساختند.

یکی از حربه‌های معاویه در جنگ نرم بر هم زدن وحدت و نظم عمومی جامعه بود؛ او از طریق غارت شهرها این عمل را انجام می‌داد؛ مهم‌ترین آن داستان «بسر بن ابی اریطه» است که شهر یمن را غارت می‌کرد و جنایات زیادی انجام می‌داد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه‌ی ۲۵ به ماجرای بسر بن ابی اریطه اشاره می‌کنند می‌فرمایند: شنیده‌ام که بسر به یمن حمله کرده است. من پیش‌بینی می‌کنم که این جماعت آینده را در دست خواهند گرفت؛ به خاطر این‌که در مسیر باطل خود همگرا و منسجم هستند و وحدت دارند، اما شما در مسیر حقی که قرار دارید واگرا و غیر منسجم هستید (طالقانی، ۱۳۷۴: ۳۰۹). شکستن وحدت مسلمانان سبب ایجاد تشتت در افکار و باورهای آن‌ها می‌شود و مردم را علیه هم می‌شوراند و موجب تضعیف حاکمیت می‌شود.

۲-۳-۵. استفاده از مقدسات

یکی دیگر از روش‌های طراحی جنگ نرم استفاده از مقدسات است. این مدل فریبگری امروزه نیز عاملی مورد استفاده و کارگر است. استفاده معاویه در جنگ صفین از قرآن برای فریب یاران علی (ع) نمونه‌ای از این شیوه است. زمانی که عمرو بن عاص مشاهده کرد که لشکر علی (ع) در حال پیروزی هستند نزد معاویه رفت و به او گفت: به افراد سپاه بگو که قرآن‌ها را به نیزه بالا برند و قرآن را حکم بین هر دو سپاه قرار می‌دهیم و بدین ترتیب بین این جمع تفرقه می‌اندازیم؛ زیرا از این بین گروهی هستند که می‌پذیرند و گروهی نمی‌پذیرند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۳/۴). حضرت علی (ع) پس از این فتنه در نامه‌ای به معاویه می‌فرماید: تو مرا به حکم قرآن دعوت کردی در حالی که اهل قرآن نیستی و حکم او را نمی‌خواهی (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۳۸/۳۲). بدین ترتیب با استفاده از حربه مقدس‌نمایی گروهی از افراد قشری و متهم‌بج عبادت‌گر و مقدس‌نما گرفتار شدند.

۲-۳-۶. بهتان و جعل سند

معاویه بیش از هرکسی به جعل حدیث برای مقابله با امام علی (ع) پرداخت. ابن ابی‌الحدید به نقل از استادش ابو جعفر اسکافی در این باره می‌گوید:

«معاویه عده‌ای از صحابه و عده‌ای از تابعین را مأمور کرد تا در مورد علی روایاتی زشت جعل کنند که لازمه این روایات اشکال به علی و بی‌زاری از او بود؛ و برای ایشان حقوقی قرار داد که آنقدر بود که مردم بدان توجه کنند؛ پس هر آنچه که معاویه دوست داشت جعل کردند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸: ۶۴/۴).

از جمله افرادی که معاویه برای این هدف از آن‌ها کمک گرفت و مأمور جعل احادیث بودند افرادی مانند ابوهریره، عمرو عاص، مغیره بن شعبه، مالک بن انس و سمره بن جندب بودند (عسکری، ۱۳۹۱: ۲۰۱/۱). جعل حدیث تیر سه شعبه‌ای است که سه هدف عمده را دنبال می‌کرد: اول تحریف احکام و

قوانین اسلامی؛ دوم شکستن قداست شخصیت‌های دینی مانند پیامبر اکرم(ص)؛ سوم، قداست بخشیدن به شخصیت‌های منفی و حاکمان فاسد (همان). به‌عنوان نمونه در مورد برتری شام بر ساسانی‌ها احادیث جعلی فراوانی نقل شده است؛ تا آنجا که از زبان امام علی(ع) حدیثی در مورد فضیلت شام نقل شده است؛ «الْأَبْدَالُ بِالشَّامِ بِهِمْ يَرْحَمُ اللَّهُ جَمِيعَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَنْصُرُهُمْ عَلَيَّ الْأَعْدَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ مِنْهُمْ رَجُلٌ أَخْلَفَ اللَّهُ مَكَانَهُ رَجُلًا» (سمعانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۱) جعل و سندسازی گاهی ناظر به فرد و یا گروه خاص انجام می‌شود و گاهی نیز ممکن است ماهیت دین، مذهب و یا حکومت اسلامی را مورد تهاجم قرار دهد. علاوه بر جعل حدیث یکی از اساسی‌ترین مواردی که امام علی(ع) در دوران خلافت خود با آن روبه‌رو شد بحث تهمت‌هایی بود که از ناحیه اصحاب جمل و اصحاب صفین بر او وارد گردید؛ مهم‌ترین آن‌ها قتل عثمان بود یکی از دستاویزهای جنگ جمل و صفین به شمار می‌رود تا آنجا که امام در رابطه با آن در نهج البلاغه خطاب به معاویه می‌فرماید: «فَأَمَّا إِكْتَارُكَ الْحِجَاخِ عَلَيَّ عُثْمَانَ» (نامه/۳۷) درباره عثمان و قاتلان‌ش، سخت به جدال برخاسته‌ای.

۲-۴. عوامل بسترساز عملیات نرم

عوامل بسترساز عواملی هستند که بر میزان اثرگذاری جنگ نرم تأثیر دارند که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد؛

۲-۴-۱. ضعف بینش و عقیده

حضرت علی(ع) بینش عمیق در معارف دینی را ضروری دانسته، مواجهه سطحی با مؤلفه‌های اساسی دین را عامل گمراهی می‌داند؛

«مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار، بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند. فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآویزد» (حکمت/۳۶۹).

آن حضرت چهل دینی را عامل کمرشکن معرفی کرده و می‌فرماید؛ دو گروه کمر مرا شکستند عالمی که از گناه ابا ندارد و جاهلی که اهل عبادت است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۱/۲). در کلام دیگری بی‌بهره‌گان از بینش عمیق دینی را دستخوش حوادث دانسته و در وصف آن‌ها می‌فرماید: «مگسانی ناتوان که به دنبال هر صدایی می‌روند و با هر بادی حرکت می‌کنند، به نور دانش روشنی نیافته و به رکنی محکم پناه نبرده‌اند» (حکمت/۱۴۷). در ماجرای جنگ جمل می‌بینیم که اطرافیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، آن حضرت را از مواجهه با اصحاب جمل بازداشتند و به آن حضرت توصیه می‌کردند که شما خودتان را با افرادی مانند طلحه و زبیر درگیر نکنید. در خطبه‌ی ششم نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به این موضوع پرداخته‌اند. حضرت در این خطبه می‌فرماید «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالصَّيْحِ تَنَامُ عَلَيَّ طُولَ اللَّيْلِ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَائِلُهَا وَ يَحْتَلِبُهَا رَاصِدُهَا» یعنی من مثل کفتاری نیستم که همین‌طور آهنگی خوانده شود و به خواب برود و فریب بخورد. امیرالمؤمنین از ضعف تحلیل و بینش مردم شکایت می‌کنند که این چهل بینش شما سبب شد که این جنگ به پا شود. اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست

خواهد خورد یا حداقل سرنوشت آن‌ها به دست نا اهلان خواهد افتاد همچنان که خوارج قدرت تحلیل نداشتند و نتیجه آن روی کار آمدن بنی‌امیه بود.

۲-۴-۲. لذت‌گرایی و هواپرستی

پیروی از شهوات نفسانی و لذت‌گرایی رذیله‌ای مذموم است که پیامدهای ناگواری از جمله اثرپذیری از تهاجمات دشمنان و گمراهی در دین و عقاید را در پی خواهد داشت. به همین جهت است که حضرت امیر(ع) این افراد را مورد مذمت قرار داده و از جمله گروه‌ها و افرادی به‌شمار می‌آورد که لیاقت لازم برای پاسداری از ارزش‌های دینی را ندارند می‌فرماید: «مَنْهُمُ بِاللَّذَّةِ سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ» (حکمت/۱۴۷)؛ کسی که اسیر لذت است و در چنگال شهوت گرفتار آمده است منهوم به معنای شکم‌پرست و حریص است و سلس القیاد به کسی گفته می‌شود که به‌آسانی در برابر چیزی تسلیم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۲۰۳). چنین کسی عقلش تیره و تار خواهد شد و قدرت تشخیص حق از باطل را از دست خواهد داد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۸۷/۲).

مسئله دیگر «هوا و هوس‌ها» بود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه‌ی ۵۰ نهج‌البلاغه عبارتی دارند که «إِنَّمَا بَدَأَ وَفُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ» همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است همان‌طور که آغاز اولین جنگ درون اسلامی بخاطر هوا و هوس قدرت بود آنجا که طلحه و زبیر نزد امام آمدند و درخواست شراکت در حکومت کردند. امام علی(ع) در پاسخ طلحه و زبیر آنجا که به امام پیشنهاد خلافت شورایی کردند فرمودند: نمی‌شود شما شریک در تقویت و کمک و یار و یاور به هنگام ناتوانی و سختی و مشکلات باشید (حکمت/۲۰۲).

۲-۴-۳. ثروت‌اندوزی

اغلب بدعت‌ها و کج‌روی‌ها در دین، که تاکنون موجب گمراهی مردمان بی‌شماری شده و نحله‌ها و فرقه‌های ضالّه بسیاری در تاریخ پدید آورده است، برخاسته از جاه‌طلبی‌ها، برتری جویی‌ها و حسدورزی‌ها بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ب: ۱۹۶). امام علی(ع) در خطبه ۳ علت پیمان‌شکنی و ایجاد بلوا و شورش را که مسیر حکومت اسلامی را تغییر داد، دنیاگرایی و ثروت‌اندوزی می‌دانند. در جای دیگری ثروت‌اندوزان را به چهارپایان تشبیه کرده که نمی‌توانند در برابر تهاجمات عقیدتی دشمن تاب آورده و از ارزش‌های اسلامی پاسداری کنند (ن.ک: حکمت/۱۴۷).

نقل است وقتی زمان تقسیم بیت‌المال در حکومت علی(ع) رسید، حضرت به عمار، عبیدالله بن ابی‌رافع و ابالهیثم بن التیهان دستور دادند بیت‌المال را به‌طور مساوی میان مسلمانان تقسیم کنند؛ فرمودند: «إِعْدِلُوا فِيهِ وَلَا تُفْضِلُوا أَحَدًا عَلَي أَحَدٍ» «در تقسیم آن‌ها، مساوی برخورد کنید و هیچ‌کس را بر دیگری ترجیح ندهید. آن‌ها نیز قیمت مجموع اموال را ارزیابی کردند؛ سهم هر نفر سه دینار می‌شد. به همه به‌طور مساوی سه دینار پرداختند تا اینکه نوبت به طلحه و زبیر رسید. آن‌ها درحالی‌که هریک همراه پسر خود برای گرفتن سهم خویش آمده بودند، به‌صورت غیرمنتظره‌ای دیدند که مقسمان به آنان نیز مانند سایرین سه دینار دادند. به اعتراض گفتند: «عمر این‌گونه به ما حقوق نمی‌داد؛ این کار، کار شماس است یا دستور

رئیستان؟ آن‌ها گفتند: کار ما نیست، «امیرالمؤمنین» به ما چنین دستور داده است. آن‌گاه نزد حضرت «علی» رفتند و حضرت را درحالی که زیر آفتاب مشغول رسیدگی به اموال بود، یافتند. گفتند: نظر شما چیست، آیا مایلید برویم سایه؟ حضرت پذیرفتند. سپس گفتند: نزد عمالت رفتیم تا سهمیه‌مان را از این [فیء] بگیریم. آن‌ها به هریک از ما به اندازه سایر مردم دادند. حضرت فرمودند: مگر چه انتظاری داشتید؟ گفتند: عمر این‌گونه به ما نمی‌بخشید! که امام با احتجاج به سیره رسول خدا و موارد دیگر درستی این امر را برای آن‌ها روشن کرد. (مدرسی، ۱۴۳۱: ۱۳۹-۱۴۲).

۲-۴-۴. منابع معرفتی نامعتبر

یکی از عواملی که تهاجمات دشمن را تسهیل می‌کند، بهره‌گیری از منابع معرفتی غیر یقین‌آور است. در بیان قرآن کریم راه تشخیص حق، نه پدران و اجداد هستند و نه اکثریت افراد؛ ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره/۱۷۰)؛ و چون به آنان گفته شود: از کتابی که خدا فرستاده است، پیروی کنید، گویند که از آن چه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم و آیا هر چند که پدرانشان چیزی ندانند و هدایت نیافته باشند. قرآن کریم در آیه ۱۱۶ انعام پیروی کورکورانه را عامل گمراهی می‌داند.

بسیاری از مصادیق حق را خود افراد باید بشناسند با این وجود این به معنی رد مطلق تقلید از دیگران نیست. همه افراد نمی‌توانند همه موارد و مصادیق حق را تشخیص دهند بنابراین لازم است گاهی از منبعی مطمئن و یقین بخش تقلید کنند چنانکه علی(ع) می‌فرماید؛ حقایق را از اهلش بخواهید (خطبه/۱۴۷). بدین معنا که گاهی برای تشخیص حق، باید اهل حق را شناخت؛ البته این تقلید ضابطه و معیار دارد و اگر معیار آن رعایت نشود، منبع معرفتی یقین‌آوری نخواهد بود. علی(ع) در ادامه همین فراز معیاردهی کرده و می‌فرماید؛ آنان که سخنان حکیمانه‌شان شما را از دانششان، و سکوتشان از گفتارشان، و ظاهرشان از باطنشان خیر می‌دهد، نه در مخالفت با دین‌اند و نه در دین اختلاف می‌کنند، دین در میان اهل بیت گواهی است راستگو، و ساکتی است (خطبه/۱۴۷). در خطبه ۱۹۲ نیز می‌فرماید: بترسید بترسید از پیروی مهتران و بزرگانان که به گوهر خود نازیدند و نژاد خویش را برتر دیدند و نسبت آن عیب را بر پروردگار خود پسندیدند و بر نعمت خدا در حق خویش انکار ورزیدند، به ستیزیدن برابر قضای او.

جدول ۱: مؤلفه‌های جنگ نرم (طراحان، ابزار، مجریان و بسترها)

طراحان	ابزار و محتوا	مجریان و کارگزاران	بسترهای تسهیل‌گر
معاویه	نمادسازی	عوام مردم - خواص دنیاپرست	ضعف بینش
طله و زبیر	خواص	عایشه - عموم مردم	دنیاپرستی - منابع معرفتی نامعتبر
معاویه	تزویر، تحریف	مردم مدینه، شام - عموم مسلمین	منابع معرفتی نامعتبر
سران جمل	ایجاد تفرقه و اختلاف	اصحاب جمل	هواپرستی - ضعف بینش
عمرعاص	استفاده از مقدسات	سپاه صفین - خوارج	ضعف بینش
معاویه	بهتان و سندسازی	ابوهریره - مغیره بن شعبه - و...	منابع معرفتی نامعتبر

۲-۵. راهبرد تقابلی - صیانتی امام علی (ع)

امیرالمؤمنین علی (ع) در رویارویی با جنگ نرم جهت دفاع از ارزش‌های دینی جامعه اسلامی، راهبردی خاص را دنبال می‌کردند به گونه‌ای که این مدل حضرت، دارای ممیزات و شاخصه‌هایی است. تبیین و تحلیل شیوه عملکرد حضرت، می‌تواند الگویی مناسبی در مواجهه با جنگ نرم باشد.

آنچه مدار و محور راهبرد مبارزاتی - صیانتی حضرت علی (ع) را شکل می‌دهد بسترسازی جهت نیل افراد به سمت قرب الهی است. در نامه ۲۴ در نخستین فراز وصیت‌نامه، غرض و مقصد همه فعالیت‌های خود اعم از سیاسی، اقتصادی، دفاعی، عبادی، اخلاقی راه، تحصیل قرب الهی می‌دانند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۴۷/۲). در تلقی امام علی (ع) مبنا و ملاک صدق و کذب، باید و نباید و درست یا نادرست فعالیت‌ها نسبت آن‌ها با قرب الهی است. آنچه که حضرت به وسیله آن بر ارزشی بودن یک شیوه مواجهه در جنگ نرم و درستی آن و بر لزوم استفاده از استدلال می‌کند، تاثیر مثبت آن در رساندن به توحید است.

حرکت در مدار توحید سبب گردید که امام (ع) هموار دو اصل اساسی در کردار و اعمال خود لحاظ داشته باشند؛ نخست اعتدال و جامعیت در رفتار است تا آنجا که می‌فرمایند: «اگر به دست راست روی نهی به گمراهی افتاده‌ای و اگر به دست چپ‌گرایی، باز هم، به گمراهی افتاده‌ای. پس راه میانه را در پیش گیر که رهایی در همان است» (خطبه/۱۶) تا جایی که در روایت دیگری آمده است فردی در حضور ایشان، به بی‌زاری از دنیا تظاهر می‌کرده؛ حضرت در پاسخ او فرمود:

«دنیا سرای راستی است برای کسی که با آن راست بگویند، و سرای ایمنی (از عذاب الهی) است برای کسی که آن را درست فهم کند، و سرای توان‌گری است برای کسی که از آن توشه بردارد و سرای پند است برای کسی که از آن پند گیرد. جای عبادت و بندگی دوستان خدا، و جای نماز گزاردن فرشتگان خدا، و جای فرود آمدن وحی خدا، و جای بازرگانی دوستان خدا است که در آن، رحمت و فضل الهی را به دست آورده و سودشان بهشت خواهد بود. پس کیست که دنیا را نکوهش می‌کند؟ درحالی که دنیا مردم را به دوری خود آگاه ساخت» (حکمت/۱۲۶).

از دیگر اصول امام توجه به حق و حق‌گرایی است؛ می‌گویند شخصی به نام «حارث بن حوت» - با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن‌روز و قرار گرفتن مجاهدانی از صدر اسلام در برابر امیرمؤمنان - خدمت علی (ع) آمد و گفت: گمان می‌کنی که من اصحاب جمل (طلحه و زبیر و عائشه و پیروانشان) را گمراه می‌دانم؟! امام فرمود: حارث! تو کوتاه‌بینانه نگرستی، نه عمیق و زیرکانه و سرگردان ماندی. تو حق را نشناخته‌ای تا بدانی اهل حق چه کسانی هستند، و باطل را نشناختی تا پیروش را بشناسی! حارث بعد از شنیدن این سخنان گفت: پس من مانند سعید بن مالک و عبد الله پسر عمر بی‌طرف خواهم ماند! امام فرمود: آن دو نه حق را یاری کردند و نه باطل را خوار ساختند (حکمت/۲۶۲).

۲-۵-۱. راهبردهای تقابلی - صیانتی امیرالمؤمنین (ع)

امیرالمؤمنین (ع) از راه‌های متنوعی برای مقابله با تهاجمات دشمنان بهره می‌گرفتند. دسته‌بندی و نمونه‌هایی از این راهکارها به شرح زیر قابل احصا و بررسی است.

در یک تقسیم می‌توان شیوه‌های مقابله حضرت علی(ع) با جنگ نرم را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. در روش‌های مستقیم، سلب مصداق جنگ نرم و ایجاد مانع در برابر آن مدنظر است مانند جنگ و قیام مصلحانه، اقناع افراد فریب‌خورده. در روش‌های غیر مستقیم زمینه‌سازی برای مقابله با جنگ نرم مدنظر است. از سوی دیگر این روش‌ها گاهی ناظر به کارگزاران و گزینش در انتخاب آن‌ها و یا عزل افراد ناصالح است و گاهی ناظر به تقویت بینش‌ها و عمق‌بخشی به معارف دینی افراد است تا از این طریق بسترهای اثربخشی جنگ نرم را خنثی کنند.

الف) روش‌های مستقیم: در روش‌های مستقیم امام علی(ع) حذف عملیات نرم را مدنظر قرار می‌دادند و برای تحقق آن ابتدا از راه موعظه و یا اقناع اندیشه وارد می‌شدند و در موارد نیاز و ضرورت به قتال و سرکوبی دست می‌زدند.

۱. همگام کردن عموم جامعه

تقابل با تهاجمات نرم و صیانت از ارزش‌ها، نیازمند همراه و همگام کردن مردم است. بدین منظور صرف حق‌شناسی کفایت نمی‌کند، بلکه افراد باید در صحنه عمل مدافع ارزش‌های دینی بوده، با اهل بدعت و تهاجم دشمنان، مبارزه کنند. در بیان امام علی(ع) مواجهه با اهل باطل، صرفاً برعهده حاکمان و کارگزاران نیست، بلکه وظایف مردم نیز می‌باشد؛ مردم موظف‌اند، مستقیماً به مقابله با تهاجمات دشمن برخیزند. حضرت علی(ع) در خطبه ۱۰۶ پس از آن که اسلام را روشن‌ترین راه و آشکارترین مذهب معرفی می‌کند، اصحاب خود را مورد سرزنش قرار می‌دهد که وقتی پیمان‌های الهی شکسته می‌شود؛ چرا خشمگین نمی‌شوید: «وَقَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنقُوضَةً»؛ وقتی حریم دین شکسته می‌شود، چرا ناراحت نمی‌شوید و اقدامی نمی‌کنند؟ عده‌ای زمام کارهایتان را به دست گرفته‌اند که ستم‌گرند و شما هم کارهایتان را به آن‌ها سپرده‌اید و در احکام الهی تسلیم آن‌ها شده و از آن‌ها پیروی کرده‌اید، درحالی‌که این‌ها «يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ»؛ در تکالیف شرعیه به شبهات و آرای باطل عمل می‌کنند و در پی شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی می‌روند. تجربیات دوران انقلاب اسلامی حاکی از این امر است که در هر اقدامی هرگاه افکار عمومی پشتیبان و یاور حاکمیت باشد در نهایت سربلندی را در پی خواهد داشت در غیر این صورت چیزی جز شکست حاصل نخواهد شد.

۲. اقناع و توجیه

اسلام دین منطق و متکی بر برهان و استدلال است؛ چنانکه یکی از شیوه‌های احتجاج قرآن با افرادی که دارای عقاید باطل هستند مطالبه دلیل است. در چندین آیه آمده است: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» (بقره/۱۱۱)؛ انبیاء/۲۴؛ نمل/۶۴). بسیاری از افرادی که دست به عنادورزی با ارزش‌های دینی می‌زنند و درصدد تخریب برمی‌آیند دچار جهل هستند یا جهل بسیط به حقیقت اسلام و یا جهل مرکب در اثر تبلیغات دشمنان در نتیجه بهترین روش مبارزه با این افراد که هم سبب حفظ ارزش‌ها و هم هدایت آن‌ها می‌شود، توجیه کردن آن‌ها است. در سیره امیرالمؤمنین(ع)، این مسئله جایگاه رفیعی دارد. قبل از جنگ جمل حضرت عبدالله بن عباس را به محل تجمع خوارج می‌فرستند و سفارش می‌کنند که با آن‌ها به بحث و

گفتگو بنشیند و به سوالات و شبهات آن‌ها پاسخ دهد (نامه/۳۷). پس از جنگ جمل نیز در چند موقعیت به روشنگری سیاسی پرداختند (خطبه/۱۸۳، ۱۷۶، ۱۲۵). از جمله بر منبر مسجد جامع بصره و مسجد کوفه می‌روند و ضمن سخنرانی افشاگرانه به مخالفان آزادی بیان داده تا اشکالات و شبهات خود را مطرح کنند سپس حضرت به تک‌تک سوالات آن‌ها، پاسخ می‌دهند به گونه‌ای که این حرکت حضرت نقش مؤثری در هدایت افراد داشته است. همچنین جمعی از اهل بصره، سفیری را نزد حضرت فرستادند تا حقیقت امر برایشان معلوم شود و شبهه از قلبشان بیرون رود و تشخیص دهند از میان حضرت و اصحاب جمل کدام بر حقد؟ حضرت فرستاده ایشان را پذیرفت و با او به گونه‌ای صحبت نمود که وی دریافت، امام بر حق هستند، نه اصحاب جمل (ن.ک: خطبه/ ۱۷۰).

۳. عزل کارگزار ناصالح

در نامه‌ای که امیرالمؤمنین (ع) برای مالک اشتر نوشته‌اند، چهار وظیفه عمده را از ایشان مطالبه می‌کنند که منشور، وظایف مسئولین اسلامی است: اول این که خراج و مالیات‌ها را درست جمع‌آوری کنی؛ دوم: تامین امنیت جامعه؛ سوم: وظیفه داری تلاش کنی که مردم صالح باشند؛ چهارم: آباد کردن شهرها (نامه/۵۳). تامین و ادای حق چنین وظایفی خصوصاً «تلاش برای صالح بودن مردم» در وهله‌ی اول در گرو صالح و شایسته بودن خود دولت‌مردان است. حضرت علی (ع) به محض مشاهده کوچک‌ترین تخلف از دولت‌مردانش، آن‌ها را عزل می‌کرد و اگر گاهی نیاز به مجازات بود، آن‌ها را سخت مجازات می‌کرد. در نامه‌های ۲۰، ۴۰ و ۴۵ نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان مشاهده نمود از جمله: سرزنش زیاد بن ابیه، فرماندار بصره، اهواز، فارس و کرمان و نیز عزل ابوالاسود دثلی که برای قضاوت او را نصب کرده بود، حکم به تازیانه ناظر مالی بازار اهواز، توبیخ عثمان بن حنیف، که بر سر سفره رنگین ثروتمندی حاضر شده بود.

۴. مواجهه قهرآمیز

شدت عمل و به‌کارگیری قوه قهریه از روش‌های راهبرد تقابلی - صیانتی حضرت امیر (ع) است. در برخی آیات قرآن کریم نیز دستور مستقیم به مقابله و سرکوب با افرادی که درصدد تضعیف عقاید و ارزش‌های جامعه هستند، داده شده است. در سوره تحریم آیه ۹ و هم در سوره توبه آیه ۷۳ فرمان می‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهِمْ جَهَنَّمَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ (تحریم/۹)؛ ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سخت بگیر، جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی است». در بینش سیاسی اسلام، تامین مصالح معنوی، اصلی‌ترین وظیفه حکومت و دولت‌مردان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۹/۲). از این جهت هر گونه تساهل دینی در آنجا که تامین این مصالح را تهدید و مورد هجمه قرار دهد، به معنای نقض غرض است و با فلسفه تشکیل حکومت اسلامی ناسازگار است. به همین جهت امیرمومنان (ع) شورش جمل را مصداق تهاجم نرم (فتنه) دانسته به سرکوب آن‌ها پرداختند. امام (ع) در تصدیق این برخورد می‌فرماید: «ای مردم، من بودم که چشم فتنه را کندم و جز من هیچ کس جرأت چنین کاری نداشت؛ آنگاه که امواج سیاهی‌ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید» (خطبه/۹۳). در مواجهه با معاویه نیز می‌فرماید: «زیر و روی کار را بر رسیدم دیدم یا باید با این قوم بجنگم یا آنچه را

محمد(ص) آورده انکار کنم. پس جنگ با آنان را از عذاب خدا آسان تر یافتیم» (خطبه/۵۴). همچنین در خطبه ۴۳ به مواجهه با معاویه اشاره فرموده و خود را در دو راهی بین قتال و کفر می بیند: من همه جوانب این کار را بر رسیده‌ام و برون و درون آن بازجسته‌ام. بیش از دو راه در پیش نداریم، یا جنگ با ایشان یا کافر شدن به آنچه محمد(ص) آورده است.

ب) روش‌های غیرمستقیم: روش‌های غیر مستقیم به جهت ایجاد زمینه برای خنثی‌سازی جنگ نرم همچنین زمینه‌سازی جهت صیانت از ارزش‌های دینی انجام می‌شود. براساس آنچه در نهج‌البلاغه از سیره امام(ع) به‌دست آمد، روش‌های زیر به‌طور غیر مستقیم در خنثی‌سازی جنگ نرم مؤثر است:

۱. گزینش سیاسی

امیرالمؤمنین در منشور سیاسی خود خطاب به مالک اشتر، ابتدا مردم را به چند گروه تقسیم می‌کند و در ادامه دستوراتی ذکر می‌کنند، از جمله توصیه‌های آن حضرت به مالک درباره نوع انتخاب دولت‌مردان است. برای انتخاب کارگزاران توصیه به گزینش می‌کنند و ملاک‌ها و معیارهایی مشخص می‌کنند. از انتخاب افرادی که سابقه خدمت به دشمنان در تهاجم به اسلام را داشته‌اند پرهیز می‌دهند؛ و به مالک صریحاً بیان می‌دارند که بدترین وزرای تو وزیری است که پیش از تو وزیر اشرار بوده، و در گناهانشان شرکت داشته، چنین کسی نباید از محرمان تو باشد، که ایشان یاران اهل گناه، و برادران اهل ستم‌اند (ن.ک: نامه/۵۳). در مورد انتخاب فرماندهان نظامی نیز توصیه به گزینش می‌کنند و تعیین معیار می‌کنند؛ «آن‌که پیش تو نسبت به خداوند و پیامبر و پیشوایت خیرخواه‌تر و پاک دامن‌تر و بردبارتر است او را به فرماندهی ارتشت انتخاب کن، از آنان که دیر به خشم آیند، و پوزش پذیرترند، و به ناتوانان مهربان، و در برابر زورمندان گردن فرزند» (نامه/۵۳).

۲. حلم و مدارا

لازمه صیانت از ارزش‌های دینی همیشه برخورد و قیام مصلحانه نیست گاهی حلم و مدارا با افرادی که تحت تاثیر جنگ روانی دشمنان قرار گرفته‌اند، بهترین راهکار مبارزاتی است. بدین جهت حضرت علی(ع) از این ابزار (حلم و مدارا) در تقابل با جنگ نرم دشمن بهره می‌گرفتند و اثر تهاجم دشمن را خنثی می‌نمودند.

امام علی(ع) مرز تساهل و مدارا با مخالفان را تا مرحله‌ای می‌دانند که حرکت مخالفان و اقدامات عملی آنان سبب مفسده و گسیختگی نظام جامعه اسلامی نگردد. ایشان علی‌رغم اینکه از قصد طلحه و زبیر آگاه بود و می‌توانست با سرکوب نظامی مانع آن‌ها گردد؛ اما از راه حلم و مدارا درآمد و با نوشتن نامه و گفتگو با آن‌ها سعی در بازداشتن آن‌ها کرد. امام علی(ع) در این مورد می‌فرماید:

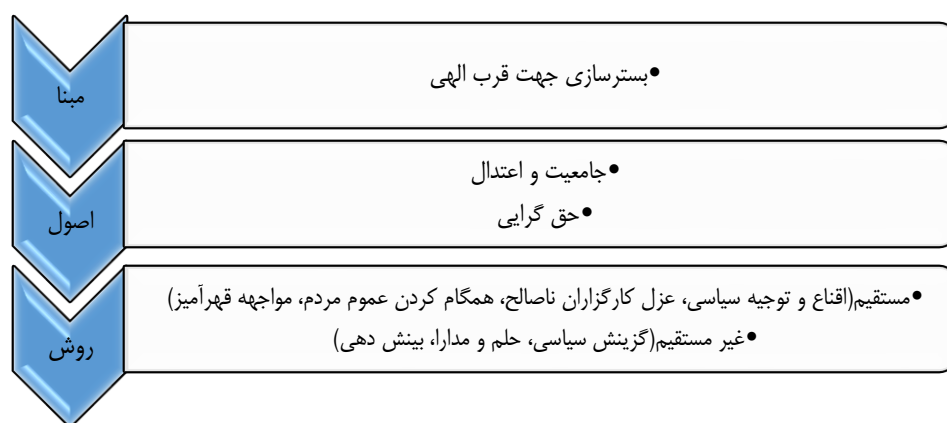
«همانا این گروه به سبب نارضایتی از حکومت من به یک دیگر پیوسته‌اند و من تا هنگامی که بر جامعه و اجتماع احساس خطر نکنم، شکیبایی پیشه می‌کنم؛ چه این که آنان اگر بر این افکار سست و فاسد باقی بمانند و بخواهند اهداف خود را عملی سازند، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد (خطبه/۱۶۹).

بعد از جنگ جمل ابن عباس فرماندار بصره به دلیل همکاری قبیله بنی تمیم در جنگ جمل سخت گرفت به سرزنش او می‌پردازد: من خبر رسیده است که با بنی تمیم بد اخلاقی و خشونت می‌کنی، ای ابوالعباس - خدا ترا رحمت کند- در نیکی و بدی که بر دست و زبانت جاری می‌شود مدارا کن؛ زیرا ما هر دو در این جهت با هم شریک هستیم و چنان کن که گمان نیکوی من بتو باشد و اندیشه من در باره تو سست نگردد (جردق، ۱۳۷۳: ۱۸۴-۱۸۵).

اصل اساسی در رابطه با امام علی(ع) حلم و مدارا است اما در خطبه ۲۴ تأکید می‌کند که با دو گروه «خالف الحق»؛ کسی است که آگاهانه راه خلاف حق را می‌پوید و «خابط الفی»؛ از روی جهل و نادانی و اشتباه و بدون تأمل و مطالعه، در گمراهی غوطه‌ور می‌شود نمی‌توان سازش کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۷۱/۲) و اگر صبری در رابطه با آن‌ها است این به معنای سازش کاری نیست بلکه وقت‌شناسی است.

۳. بینش دهی

یکی از عواملی که سبب اثربخشی جنگ نرم و در نتیجه تضعیف عقاید و ارزش‌های دینی می‌شود، بی‌بصیرتی افراد و عدم ژرف‌اندیشی آن‌ها در مسائل اجتماعی سیاسی است. عدم ژرف‌اندیشی از صفات منفی مورد ذم در بیان امیرالمؤمنین(ع) در حکمت ۱۴۷ است. آنجا که درباره کسانی که لیاقت بهره‌گیری از علوم آن حضرت را ندارند می‌فرماید؛ گروهی که تسلیم حاملان حق می‌باشند اما ژرف‌اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند. چنانکه از این بیان استفاده می‌شود این افراد اشخاصی سلیم النفس هستند؛ اما خوب بودن به این معنا، مانع گمراهی نمی‌شود. بی‌بصیرتی و عدم عمق در بینش‌ها سبب می‌شود در اثر جنگ نرم دشمن، دچار انحراف و کژاندیشی در افکار و شخصیتشان شوند. در ادامه می‌فرماید: با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند. در خطبه ۱۷۳ نیز می‌فرماید؛ «این پرچم را حمل نتواند کرد، مگر کسی که بینا و شکیبیا باشد و جای حق را بشناسد» (خطبه/۱۷۳). حضرت شناخت دشمن را رمز بصیرت می‌داند؛ «بدانید که رشد در نمی‌باید مگر که رشد وانهادگان را بشناسید و هرگز به کتاب خدا چنگ نمی‌زنید، مگر که فروفکننده آن را چنان که باید شناخته باشید» (خطبه/۱۴۷).



نمودار ۲: الگوی راهبرد تقابلی - صیانتی امام علی (ع)

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی ماهیت و مکانیزم عملیات نرم و راهبرد تقابلی- صیانتی امام علی(ع) در مواجهه با آن به نتایج زیر دست یافت؛

۱. از منظر امام علی(ع) تهاجم نرم چهار رکن اساسی دارد. رکن اول طراحان جنگ نرم، رکن دوم ابزارها و محتوا، رکن سوم کارگزاران و مجریان و رکن چهارم بسترها و زمینه‌ها، که به‌منظور تقابل درست با جنگ نرم بر حاکمیت جامعه لازم است که به شناسایی و کنترل آن‌ها پردازد.

۲. در تقابل با جنگ نرم و هجمه‌های دشمن لازم است که استراتژی و ابزاری که بکار گرفته می‌شود از مدار و محور توحیدی و ارزش‌های الهی خارج نگردد؛ بلکه بسترسازی جهت نیل افراد به سمت قرب الهی باشد. به‌نحوی که در مصاف با دشمن نمی‌توان از ابزاری غیرحقوقی مانند خروج از عدل و یا ظلم و یا به‌کارگیری تزویر و دروغ استفاده کرد.

۳. علاوه بر نقشی که حاکمیت جامعه در تقابل درست با جنگ نرم دارد، نقش‌آفرینی خواص و مردم نیز ضروری است و مهم‌ترین نقش آن‌ها در این است که زمینه‌های بسترساز عملیات نرم مانند هواپرستی، ضعف دربینش و عقیده، ثروت اندوزی و منابع معرفتی نامعتبر را در خود فراهم نکنند.

۴. در راهبرد تقابلی- صیانتی از دو روش به‌منظور مقابله با جنگ نرم استفاده می‌شود؛ روش‌های مستقیم ناظر به برطرف کردن مصداق تهاجم است نظیر، عزل کارگزاران متخلف و ناصالح؛ مواجهه قهرآمیز و روش‌های غیر مستقیم که ناظر به بسترسازی جهت جلوگیری از اثرگذاری تهاجم نرم است نظیر بینش- دهی سیاسی، حلم سیاسی، گزینش سیاسی.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، ابوحامد. (۱۴۱۸). شرح نهج البلاغه. اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد. (۱۴۱۰). طبقات الکبری. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، عمادالدین. (۱۴۰۹). البدایه و النهایه. ششم. بیروت: مکتبه المعارف.
- آریان پور، منوچهر. (۱۳۸۵ ش)، فرهنگ انگلیسی به فارسی، چاپ یازدهم، تهران: جهان رایانه.
- استوار، مجید. (۱۳۹۱ ش)، «نقش نمادهای شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، جلد ۴۲، شماره ۴، ۳۹-۲۳.
- بهشتی، احمد. (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
- جرداق، جورج. (۱۳۷۳). بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه. مترجم: محمدرضا انصاری. چاپ اول. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). ولایت فقیه، ولایت، فقاہت و عدالت. تنظیم: محمد محرابی. چاپ پانزدهم. قم: اسراء.
- ذہبی، شمس‌الدین أبو عبدالله. (۲۰۰۳ م). تاریخ الإسلام و وفیات المشاہیر و الأعلام. المحقق: الدكتور بشار عوٰذ معروف. اول. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- سمعانی، حافظ ابوسعید. (۱۴۱۲). فضائل الشام. مصحح: عمرو علی عمر. اول. دمشق: دارالثقافه العربیه.
- شاه‌علی، احمدرضا. (۱۳۹۰). «محرک‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم از دیدگاه امام علی(ع)». مطالعات قدرت نرم. جلد ۱، شماره ۳، ۱۶۳-۱۹۱.
- طالقانی، محمود. (۱۳۷۴). پرتوی از نهج البلاغه. دوم. تهران، وزارت ارشاد.
- عسکری، سید مرتضی. (۱۳۹۱). نقش ائمه در احیای دین. چاپ سوم. قم: انتشارات علامه عسکری.
- عسکری، سید مرتضی. (۱۳۷۷). نقش عایشه در تاریخ اسلام. چاپ اول. قم: دانشکده اصول‌الدین.
- فرخی، میثم؛ شهبازی، امین. (۱۳۹۶). «تکنیک‌های عملیات روانی امام علی(ع) در رویارویی با دشمنان»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. جلد ۲۰، شماره ۵، ۳۳-۵۱.
- کالینز، جان ام. (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ. کورش بایندر. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: الوفا.
- مجیدی، حسن؛ قزل‌سفلو، ام‌البنین. (۱۳۹۲). «استراتژی پایداری در برابر جنگ نرم با تکیه بر نهج البلاغه»، ادبیات پایداری. جلد ۵، شماره ۹، ۳۱۵-۳۳۷.
- محدث نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: آل‌البتیت.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۵). ارتباط‌شناسی، چاپ هفتم، تهران: سروش.

- محمدی سیرت، حسین؛ موسوی‌نیا، سید مهدی. (۱۳۹۵). «رهیافتی اسلامی در مفهوم‌سازی بنیادی عملیات روانی مطالعه سیره نظامی امام علی (ع)». فصلنامه روان‌شناسی نظامی. جلد ۷، شماره ۲۵، ۶۷-۹۴.
- مدرسی، هادی. (۱۴۳۱). أخلاقیات الإمام علي أميرالمؤمنين عليه‌السلام: قراءة في تعاملات الإمام من موقع المؤمن الصادق و المعارض المخلص، و الحاكم العادل. چاپ اول، بیروت: دارالعلوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). کاوش‌ها و چالش‌ها. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- (۱۳۸۷). تهاجم فرهنگی. تحقیق: عبدالجواد ابراهیمی. چاپ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- (۱۳۸۹ الف). نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه. چاپ بیست و دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- (۱۳۹۱). پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر. چاپ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- (۱۳۸۹ ب). عبرت‌های خرداد. تدوین و نگارش: علیرضا تاجیک، سید حسین شفیعی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- (۱۳۹۲). مجموعه آثار. ج ۲۷. چاپ اول. تهران: صدرا.
- (۱۳۹۲). مجموعه آثار، ج ۱۵ (فلسفه تاریخ). چاپ هشتم. تهران: صدرا.
- (۱۳۹۲). مجموعه آثار، ج ۱۷ (حماسه حسینی). چاپ هفدهم. تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. چاپ دوم. تهران: دبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۶). پیام امام امیرالمؤمنین(ع): شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه. چاپ پنجم. قم: امام علی بن ابی‌طالب(ع).
- منقری، نصرین مزاحم. (۱۴۰۳). وقعة الصفین. چاپ دوم. قم: مکتبه آیة‌الله المرعشی النجفی.
- نای، جوزف. (۱۳۸۷). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- نصر، صلاح. (۱۳۸۱). جنگ روانی. محمود حقیقت کاشانی. چاپ دوم. تهران: سروش.
- واسطی، عبدالحمید. (۱۳۸۸). نگرش سیستمی به دین. چاپ اول. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- یزدانی، فضل‌الله. (۱۳۸۱). «استراتژی های جنگ روانی از دیدگاه حضرت علی(ع)». بصیرت. جلد ۱۰، شماره ۲۸ و ۲۹، ۳۵-۴۷.